



ضرورت تحقق حکومت جهانی توحیدی در آخرالزمان

هنوز انسان به آن سطح عالی از فهم و شعور، برای رسیدن به آن هدف کامل، نرسیده است؛ زیرا بشر از ابتدای خلقت، شروط اساسی از شرایط تطبیق عدل کامل را نداشته است.

هنوز انسان به آن سطح عالی از فهم و شعور، برای رسیدن به آن هدف کامل، نرسیده است؛ زیرا بشر از ابتدای خلقت، شروط اساسی از شرایط تطبیق عدل کامل را نداشته است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: تکامل فرد و در نتیجه ایجاد مجتمع کامل و نیز دولت و حکومت عدل در جامعه، با دو عامل اساسی تحقق پذیر است:

۱ - عامل خارجی.

۲ - عامل داخلی.

عامل خارجی، آن است که هر فرد از افراد جامعه و در نتیجه مجتمع، معنای عدل و کمالی را که هدف خلقت او در آن است، بداند، و نیز راهی را که انسان باید در رسیدن به آن هدف بییماید، بشناسد.

از آن رو که فهم های بشری، قاصر از درک این امور است، لذا بشر در طول تاریخ، محتاج به انبیا برای هدایت و رسیدن به اهداف خود بوده است. این هدف بزرگ، از جانب خداوند، با ارسال پیامبران و اوصیا در طول تاریخ، تحقق پیدا کرده است.

عامل داخلی، همان شعور بشر به این مسؤولیت و هدف بزرگ است. لذا به جهت رسیدن به هدف، تحقق این عامل داخلی در وجود انسان لازم است. این شعور به مسؤولیت تحقق پیدا نمی کند، مگر به این که:

الف - عقل، اهمیت اطاعت خداوند و خضوع و خشوع نسبت به او را درک کند.

ب - بداند که این اطاعت، ضامن حقیقی برای سعادت خود و جامعه و ایجاد عدل مطلق در جامعه خواهد بود.

ج - حقیقت عدل و قسط و آثار و برکات آن را بداند.

این عامل داخلی، با انواعش، از دو طریق قابل پیاده شدن است: یکی این که این ایمان و اخلاص، در افراد جامعه به صورت معجزه، تحقق یابد. این احتمال با قانون معجزات منافات دارد؛ زیرا معجزه، طریق انحصاری است، در حالی که برای رسیدن به نتیجه و هدف، راه های دیگری غیر از طریق معجزه وجود دارد. و نیز با اختیار انسان - که کمال او در گرو آن است - منافات دارد. در نتیجه بشر باید خود به خود و بدون جبر، با تجربه و ارشاد، به سطحی عالی از فهم و شعور به آن امور برسد تا بتواند آن هدف عالی را با رهبری الهی، پیاده کند.

حال، با ملاحظه حالات و خصوصیات بشر، پی می بریم که هنوز انسان به آن سطح عالی از فهم و شعور، برای رسیدن به آن هدف کامل، نرسیده است؛ زیرا بشر از ابتدای خلقت، دو شرط اساسی از شرایط تطبیق عدل کامل را نداشته است:

۱ - شناخت عدل به صورت کامل؛

۲ - آمادگی برای فداکاری در راه تطبیق و پیاده کردن عدالت، بعد از شناخت آن.

اگر بر فرض بشر شرط یکم را دارا باشد، هنوز آمادگی برای شرط دوم را پیدا نکرده است.

انبیا در طول تاریخ بشر، متکفل این دو شرط بوده و مردم را به غرض اساسی از ایجاد بشر که همان حکومت عدل جهانی و الهی است، بشارت داده اند.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛
ما، بعد از تورات در زبور داوود نوشتیم که یقیناً بندگان نیکوکارمن، زمین را وارث و متصرف خواهند شد؛

و نیز خداوند متعال می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ (۱) او خدایی است که رسول خود را با دین حق برای هدایت خلق فرستاد تا همه ادیان عالم، تسلط دهد گرچه کافران کراحت داشته باشند؛

ولی از طرف دیگر می دانیم که برای هیچ یک از انبیای الهی، به دو دلیلی که گذشت، شرایط اساسی برای هدایت فعلی کلی بشر و ایجاد حکومت عدل جهانی، میسر نگردید.

خداوند متعال، درباره قوم حضرت نوح علیه السلام که نهصد و پنجاه سال قوم خود را به حق و حقیقت دعوت کرد، می فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا * فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَايَ إِلَّا فِرَارًا * وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْوَاعَهُمْ فِي أَذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا﴾؛ (۲) نوح گفت: بارالها! من هرچه قوم خود را شب و روز دعوت کردم، دعوت و پندم، جز به فرار و اعراض آنان نیفزود! و هر آنچه آنان را به مغفرت و آمرزش تو خواندم، انگشت (جهل و عناد) بر گوش نهادند و جامه را به رخسار افکندند (تا مرا نبینند و سختم را نشنوند) و بر کفر، اصرار و لجajt ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت را پیمودند؛

و نیز حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از آن همه دعوت به توحید، به آتش افکنده شد. و قوم موسی علیه السلام در جواب آن حضرت عرض کردند: ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾؛ (۳) پس تو و پروردگارت بروید و با آنان قتال کنید، ما اینجا نشسته ایم؛

خداوند متعال در اعتراض به جماعتی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلُمُ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾؛ (۴) ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا آن هنگام که به شما امر می شود که برای جهاد در راه دین، بی درنگ آماده شوید، (چون بارگران) به خاک زمین دل بسته اید؟ آیا راضی به زندگانی دنیا، عوض حیات ابدی آخرت شدید در صورتی که متاع دنیا در برابر عالم آخرت، اندک و ناچیز است؟

حال به این نتیجه می رسیم که بشر، تاکنون به شروط اساسی برای تشکیل حکومت جهانی، دست نیافته و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم نساخته است. گرچه ممکن است که از ناحیه خداوند متعال نیز، جهاتی برای این تأخیر، در نظر گرفته شده باشد، ولی به طور قطع می دانیم که بشر، روزی برای تأسیس حکومت عدل جهانی و توحیدی، برپاخواسته و زمینه و شرایط را، عملاً مهیا خواهد کرد و خداوند نیز از باب لطف، این حکومت را عملی و پیاده خواهد نمود.

مرحوم سید رضا صدر می فرماید: ﴿روزی خواهد رسید که بشر قابلیت پیدا کند که دادگستری توانا و بینا بر او حکومت کند، و قابلیت پیدا کردن بشر برای چنین حکومتی عبارت است از تکامل او. بشر تکامل نیافته شایستگی و لیاقت حکومت عدل را ندارد و آن را نمی پذیرد، و اگر با جبر و زور بر او تحمیل شود نقض غرض خواهد بود. جبر و زور ظلم است و ظلم نردبان عدل نخواهد بود. عدلی که به واسطه ظلم برقرار شود عدل نیست، هرچند نام عدل بر آن گذارند. بشر تکامل نیافته حاکم عدل را نمی پسندد و دوست می دارد که او برکنار شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: ﴿این مردم از من ملول شده اند و من هم از آن ملول هستم﴾؛ سپس در حق آن ها نفرینی کرده و گفت: ﴿خدا را مرا از این قوم بگیر﴾؛

حکومت عدل باید با رضایت خلق برقرار شود، و آن وقتی است که بشر خواستار آن باشد. بشر وقتی خواستار حکومت عدل می شود که خوی حیوانی تحت فرمان خوی انسانی او قرار گیرد...؛ (۵)

حکمت تأخیر از دیدگاه روایات

در روایتی امام باقر علیه السلام درباره حکمت به تأخیر افتادن حکومت مهدوی می فرماید: ﴿دولتنا آخر الدول، و لن یبقی أهل بیت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا - إذا رأوا سیرتنا -: إذا ملکنا سرنا مثل سیرة هؤلاء و هو قول الله، عزوجل: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ (۶) دولت و حکومت ما، آخرین دولت ها و حکومت ها

است. حکومت برای هیچ اهل بیتی باقی نمی ماند، مگر این که قبل از ما، به حکومت رسیده و آن را به نهایت رسانده است، به جهت این که هرگاه سیره ما را در راه حکومت مشاهده کردند، نگویند: «اگر ما نیز مالک و عهده دار حکومت بودیم، این چنین می کردیم»؛

اشاره به این معنا است قول خداوند متعال که می فرماید: «عاقبت برای پرهیزکاران است»؛

مقدمات ظهور

از طرف دیگر می دانیم که هر عمل اجتماعی، چه کوچک و چه بزرگ، احتیاج به آماده شدن ظروف مناسب دارد تا چه رسد به این امر بزرگ که در حقیقت، انقلابی جهانی و فراگیر در تمام زمینه ها، اعم از اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ... است. لذا، این انقلاب، احتیاج به تحقق مقدمات و آمادگی هایی دارد که بعضاً، به آن اشاره می شود:

۱ - پیشرفت و رشد عقلانی و دینی، ولو در طبقه خاصی از بشر.

۲ - انحراف عمومی در میان بشر.

۳ - انتشار ظلم و فساد در عالم و در نتیجه دور شدن بشر از دین الهی و متابعت از هواهای نفسانی.

۴ - پیشرفت بشر در فن آوری، زیرا، تمام امور امام زمان علیه السلام در عصر ظهور، با معجزه انجام نمی گیرد.

۵ - آماده شدن یاران خاص امام مهدی علیه السلام برای نصرت آن حضرت و شرکت در برپایی حکومت عدل جهانی. (۷)

منابع:

۱-توبه/ ۳۳.

۲-نوح / ۵ - ۷.

۳- مائده / ۲۴.

۴- توبه / ۳۸.

۵- راه مهدی علیه السلام، ص ۵۴.

۶- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲، الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

۷- حکومت عدل جهانی ، علی اصغر رضوانی